

## Afghan Women's Intellectual Movement in the Last 100 Years

### Abstract

This paper explores the level of social participation of Afghanistan women's enlightenment movement over the last century. Afghanistan's women experienced exploitation and violation of basic rights because of chronic despotism, tribalism, and cultural poverty. Despite the mentioned oppression and discriminations against women, they achieved considerable struggles to bring changes, however, such struggles and their significant roles in bringing reforms have been ignored in the eyes of patriarchal society of Afghanistan. Moreover, the women movements in Afghanistan have been mostly symbolic rather than being substantial. A prime reason for this has been described as the afghan women enlightenment movement has grown in the middle of competition between major global powers such as Germany, USA, UK, and Russia and therefor the content of its ideologies have been set and designed by these global powers and therefor such movement have not had native roots. A major reason for why such movements have not been able to cause sustainable improvements in the overall women's status is that their principal rising has not been among from Afghan women. This research finds that despite the fact that the women movements did initiate its roots in Afghanistan, it had significant achievements in reforming Afghan women roles in social and political landscapes, and second, that Afghan women still needs to fight further for their rights and cause.

**Keywords:** Freedom of women, intellectuals, movement, women's rights, political participation, equality between women and men

### Citation

Masih, Maryam. (2019). Afghan Women's Intellectual Movement in the Last 100 Years. Rana Quarterly Journal of Scientific Research, Vol 1, Issue (11). PP

## جنبش روشنفکری زنان افغانستان در صد سال

### پسین

### چکیده

زنان در افغانستان به دلیل حاکمیت نظام‌های استبدادی و قبیله‌ای از جایگاه اجتماعی پایینی برخوردار بوده‌اند و به دلیل فقر فرهنگی کل جامعه و خصوصاً نظام قبیله‌ای حاکم بر این منطقه مورد استثمار قرار گرفته و اکثر اوقات قربانی خواسته‌های نظام مردسالار و قبیله‌سالار می‌شدند و بسیاری از حقوق خود محروم بودند. اما با تمام این ظلم و ستم‌ها و بی‌اعتنایی‌های کل جامعه به زنان، آنان در موقعیت‌های مهم تاریخی از خود فداکاری‌های زیادی نشان داده‌اند، این نگاه مردسالارانه به زنان بوده که سبب شد جایگاه و مبارزات آنان در جامعه افغانستان نا مشخص بماند. گاهی هم اگر زنان افغان در جامعه قد کشیده‌اند حضورشان شکلی بوده نه واقعی. جنبش روشنفکری زنان افغانستان در بستر مخاصمات قدرت‌های بزرگ و ایدیولوژیک از جمله انگلستان، روسیه، جرمنی و امریکا طی صدسال اخیر در افغانستان شکل گرفته است که کم تر خاستگاه‌های اصلی آن از نهادها و انجمن‌های اصیل خودجوش افغانی بوده است. با وجود این‌که سرنوشت زنان افغان با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده و نقش زنان در حکومت‌های گذشته، خیلی کلیدی نبوده و بیشتر سمبلیک یا نقش درجه دوم یا پایین‌تر بوده است ولی با آن‌هم اخیراً حضور زنان در عرصه آموزش و آگاهی در جایگاه بهتری قرار گرفته است. با وجودی‌که زنان در افغانستان نسبت به سالیان قبل جایگاه خوبی پیدا کردند ولی هنوز هم به حقوق کامل خود دست نیافته‌اند و به عنوان جنس دوم در جامعه شناخته می‌شوند.

**کلیدواژه‌ها** آزادی زنان، روشنفکری، جنبش، حقوق زنان، مشارکت سیاسی، برابری زن و مرد

### ارجاع

مسیح، مریم. (۱۳۹۷). جنبش روشنفکری زنان افغانستان در صد سال پسین. فصلنامه علمی- پژوهشی رنا، دور اول، شماره (۱۱) زمستان ۱۳۹۷. صص

## مقدمه

افغانستان دارای جامعه‌ی قبیله‌ای و با اندیشه سنتی است که موضوع زن همیشه چالش برانگیز بوده است. زن در جامعه سنتی افغانستان جنس دوم محسوب شده و جایگاه آن فقط چهاردیواری خانه بوده است. هرچند در تاریخ معاصر جهان شاهدیم که جنگ دوم جهانی زنان را در صحنه سیاست کشید و آنان توانستند در بسیاری از نقاط جهان در اجتماع حضور پیدا کنند و سپس توسط مبارزات خود برخی از حقوق خود را نیز به دست آورند. اما حضور زنان افغانستانی در اجتماع و اشتراک آنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی داستان متفاوت از دیگر کشورهای دیگر است. تا قبل از دوره‌ی امان الله خان، زنان در هیچ عرصه‌ای به صورت رسمی مشارکت نداشته‌اند و تنها نقش شان را در میان چهار دیواری‌ها اجرا می‌شدند.

پس از حکومت شاه امان الله خان زنان به حقوق سیاسی و مدنی خود دست یافتند. نخستین نهضت زنانه به رهبری ملکه ثریا و حمایت شاه امان الله به وجود آمد و زنان در عرصه‌های مختلف در اجتماع ظاهر شدند و فعالیت نمودند. جنبش‌های فعال مدافع حقوق زنان، چه در دنیای غرب و چه در جهان اسلام، که در واکنش به برخی از نابرابری‌های اجتماعی علیه زنان سامان یافته‌اند؛ به مرور زمان از یک جنبش اجتماعی به یک جریان فکری و فرهنگی تبدیل شدند که تأثیرات این جنبش‌ها در افغانستان نیز رد پا باز کردند. اما جنبش زنان یا فمینیسم را به آن معنایی که در برخی از کشورهای دیگر وجود داشت و در حد وسیع موجی را ایجاد نمود در افغانستان به دلیل حاکمیت سیاسی استبدادی مبتنی بر سنت قبیله‌ای هیچگاه جنبش زنان به صورت جدی و تأثیرگذار جا نگرفت و اگر هم شکل گرفت یا به صورت تشریفاتی و سمبولیک بود و یا از همان آغاز ره هنوز مطرح نشده در نطفه خفه گردید. روی این ملحوظ تحقیق دوره کارشناسی ارشد خود را زیر عنوان جنبش روشنفکری زنان افغانستان در صدسال پسین به انجام رساندم که در دو بخش و شش فصل گردآوری گردیده است. براساس ایجابات دانشگاه، فشرده‌ای از آن را در حد این مقاله بیرون نمودم.

## سوال اصلی

حضور زنان در جنبش روشنفکری افغانستان در صد سال اخیر چه گونه بوده است؟

## سوالات فرعی

سوال اول: در حرکت‌های اجتماعی و مدنی زنان افغانستان چه قدر حضور خود را تثبیت کرده‌اند؟  
سوال دوم: در عرصه آموزش و آگاهی‌دهی اجتماعی، زنان در تاریخ معاصر افغانستان از چه نقش و جایگاهی برخوردار بوده‌اند؟

سوال سوم: زنان افغانستان در حکومت‌های گذشته چه نقشی داشتند؟

## فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: زنان در یک صد سال پسین تا حد توانمندی خود سکون و شکست را نپذیرفته‌اند و از خود شهامت نشان داده‌اند و در اجتماع حضور خود را تثبیت کرده‌اند تا آنکه جامعه جهانی زمینه‌ها را روی دست شان قرارداد. فرضیه دوم: سرنوشت زنان افغان در یک صدسال پسین با فراز و نشیب‌های همراه بوده‌اند ولی آخرین حضور زنان در عرصه آموزش و آگاهی در جایگاهی بهتری قرار گرفته است.  
فرضیه سوم: نقش زنان در حکومت‌های گذشته افغانستان نقشی کلیدی نبوده و بیشتر سمبولیک یا نقش درجه دوم یا پایین‌تر بوده است.

## تاریخچه شکل‌گیری جنبش روشنفکری زنان در افغانستان

از گذشته‌های دور تاریخ که بگذریم، اوج فعالیت‌های زنان در افغانستان هم زمان با اعلام استقلال آغاز شد. این دوره برای زنان افغانستان نقطه عطفی در تاریخ این کشور به حساب می‌آید زیرا برای اولین بار در دوران این شاه جوان و اصلاح طلب بود که زنان حق بیرون شدن از خانه و سهم گرفتن در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را به دست آوردند. از آن به بعد برخورد با این نیمه اجتماع در افغانستان متفاوت و متضاد بوده است. نخستین حرکت زنان از خاندان‌های و خانواده‌های روشنفکر آغاز گردید. تشکل زنان با اهداف پیشرفت، ترقی، نجات زنان از محرومیت، آزادی بیان به خصوص در تعلیم و تربیه، حق تحصیل، حق کار و استراحت، حق آزادی فردی، مصونیت فردی، آزادی گفتار و بیان، اجتماعات، فعالیت‌های سیاسی، مدنی، سفرهای تحصیلی به خارج از کشور شکل گرفت.

### انجمن حمایت از زنان

برای اولین بار مجتمع زنان تحت نام اتحادیه حمایت از زنان تشکیل شد که این اتحادیه پنجاه تن عضو داشت. پس از ایجاد این اتحادیه، خانم دیگر به نام کبیرا، کمیته‌ای را به حمایت از زنان تحت نام (کمیته کبیرا) تاسیس کرد که به تعداد ۲۲ تن از زنان عضو آن شدند.

اگرچه شاه در این راه افراط نمود و در جشن پغمان و سایر مجالس علناً تعدد زوجات را تکذیب می‌کرد و زنان را تشویق می‌نمود که اگر شوهران شما چند زن دارد، آن‌ها را بکشید من شما را قصاص نمی‌کنم (موسوی: ۱۱۵، ۱۳۹۳).

### تاسیس مدارس زنانه

نخستین نسوان در کابل در سال ۱۳۰۰ ش با مدیریت سایره سلطان ملقب به سراج البنات خواهر شاه امان الله تاسیس گردید. شخص ملکه ثریا اداره مکتب مستورات که امروز به نام لیسه ملالی نامیده می‌شود، را با همکاری عده ای از زنان کابل به عهده گرفت. همچنان یک مکتب تدبیر منزل برای زنان کابل در باغ علی مردان با معلمی عده ای از زنان آلمانی و ترکی تاسیس گردید (غبار: ۱۳۷۴، ۱۲۵۶-۱۲۵۵). برای اولین بار مکتب دخترانه به نام مستورات که در کابل ایجاد شد، در اول، ۵۰ دانش آموز دختر در این مکتب مصروف آموزش بودند و بعدها تعداد آنان به ۸۰۰ تن رسیدند.

شخص ملکه ثریا اداره مکتب مستورات را با همکاری عده یی از زنان روشنفکر به عهده گرفتند. دانشمند افغان، داکتر سید عبدالله کاظم، در آخرین مقاله شان در باره ملکه ثریا، می‌نویسد که: «در ختم سال ۱۹۲۰ با تاسیس اولین مکتب نسوان در افغانستان به نام مستورات دروازه تحصیل برای زن افغان بازگردید. مکتب توسط زنان خانواده شاهی اداره می‌شد. ملکه ثریا با حمایت معنوی شوهر و والدین خود به عنوان «مفتشه» از امور مکتب و اراسی می‌کرد. مادرش «اسما رسمیه- خانم محمود طرزی» که زن با فرهنگ و دانشمند بود، مدیره مکتب و خواهر ملکه خیریه خانم معین السلطنه به حیث معاونه ایفای وظیفه می‌کرد. مکتب مستورات بیرون قصر شاهی در ناحیه شهرآرا در خانه علی احمدخان والی واقع بود که بیشتر شاگردان آنرا در سال اول حدود ۵۰ دختر از خاندان شاهی تشکیل میدادند. معلمه‌های اولی مکتب آن عده خانم‌های بودند که در خانه سواد خواندن و نوشتن را آموخته و قدری از علوم دینی و ادبی آگاهی داشتند. در مدت کوتاه شاگردان مکتب چنان افزایش یافت که در پنج صنف ابتدایی تقسیم شدند و مکتب نیز به یک عمارت بزرگتر در قلب شهر مسما به ده افغانان

در نزدیک محل مشهور به « حوض مرغابی‌ها » و در یک عمارت بزرگ به نام « گلستان سرای » که از طرف بوبو جان ملکه امیر عبالرحمن خان به مکتب اهدا شده بود، انتقال یافت. در همین وقت هیئت اداری مکتب مشتمل بر دو خانم از عمو زاده‌های ملکه به نام‌های بلقیس و روخ افزا یکی به حیث مدیره و دیگری به حیث مبصره جدیدا مقرر گردیدند. (کاظم: ۲۰۱۴).

فرمان پادشاهی ذیل به مهر ملکه ثریا ( شاه خان ) بیانگر این است که در سال ۱۳۰۰ ه ش مکتب مستورات کابل از محل سابق خود به گلستان سرای، انتقال داده شده است و غرض تشویق زنان مدد معاشی برای شاگردان نسوان نیز در نظر گرفته شده بود (سیستانی: ۲۰۰۴، ۱۷۱ - ۱۷۲).

دومین مکتب دخترانه را ملکه ثریا و مادرش با هزینه شخصی خود تاسیس کردند. این مکتب در سال ۱۹۲۱ م. با نام دبیرستان یا لیسه "عصمت" بازگشایی شد که بعد به "ملالی" تغییر نام داد در شهر کابل برای دختران افتتاح شد. ملکه ثریا در بازگشایی این مکتب گفت: « الحمد الله که دولت افغانستان به سعی و همت پادشاه غازی امیرامان الله خان، به مدت کم کسب بهبودی و تعالی نمایانی نموده که جهت آینده دولت مقدسه ما، امیدهای خیلی خوبی را به ما نشان می‌دهد. علی‌الخصوص جهت اولاد ما زن‌ها، اول مکتب مستورات باز شد و اینک نو نهالان مکتب مستورات در این جا موجودند. امروز که ما، در این جا با کمال خوشی جمع آمده ایم از جهت این است که یک مکتب دیگر را به نام عصمت به توفیق الهی افتتاح می‌کنیم. مکتب برای نسوان از چنان اسباب سعادت ملک و ملت حساب می‌شود که قیمت آن نزد قیمت شناسان مدنیت اسلام پنهان نمی‌ماند. طالبه زنان مملکت چون عالمه شدند به معاملات دین و دنیای خود واقف می‌کردند و از آن جهت راحت مردان شان در ملک مدنیت اسلامیّه زیاد می‌شود. » ( جوادی: ۱۳۸۹، ۴۰۸).

### زنان در مطبوعات

در دوره امان الله این فرصت به زنان داده شد که همگام با مردها در عرصه‌های فرهنگی و ادبی نقش داشته باشند. زنان دست نبشته‌ها و آثار شان را در نشریه‌ها به چاپ می‌رساندند.

محمود طرزی اندیشمند و روزنامه نگار که خود در کشور ترکیه زنده گی کرده بود برای نخستین بار در مورد حقوق و آزادی و نقش زنان سیاسی و اجتماعی زنان در نشریه سراج الخبار که به تاریخ شانزده هم ماه میزان سال ۱۲۹۰ ه ش دوباره به فعالیت آغاز کرده بود، نوشت.

در مجله سراج از شماره ۷ تا شماره ۲۴ به صورت مرتب مطالبی در باره قهرمانی‌ها و نقش آفرینی‌های زنان جهان مطالبی منتشر میشد، که واکنش‌های را نیز در پی داشت. در همین سال، به نخستین بار یک شفاخانه برای زنان تاسیس شد که به تعقیب آن شفاخانه زایشگاه ایجاد شد و هم چنان مکتب قابله گی و پرستاری برای آموزش زنان به فعالیت آغاز کرد.

### وارد شدن زنان به صحنه‌ی سیاست

زنان یک گام پیشتر برداشتند و وارد مرحله‌های سیاسی شدند. به نخستین بار بود در سال ۱۹۲۳، به تعداد ۱۲ تن از زنان به مجلس بزرگان یا ( مشرانو جرگه ) راه یافتند. شرکت زنان در اولین لویه جرگه دوره امانی نمایانگر برداشتن نخستین گام در راستای مشارکت سیاسی زنان در افغانستان به شمار می‌رود. ثریا پرلیکا می‌گوید. " در اولین لویه جرگه زمان امانی که در پغمان دایر شد یک تعداد خانم‌های روشن فکر در بارامانیه به نماینده گی از زنان کشورما اشتراک کردند که این یک قدم به طرف رفتن و سهم گیری در سیاست بود. "

در دوره شاه امان الله خان، زنان در نوسازی سیستم سیاسی به عنوان اولویت‌های پادشاه به شمار می‌آمدند. نیازهای جامعه هم ایجاب می‌کرد که زنان به صحنه‌های سیاسی بیایند. هم این نوع توسعه را حمایت می‌کرد (موسوی: ۱۳۹۳، ۸۸).

### دوره تاریکی

در ۱۹ جنوری سال ۱۹۲۹ م پس از فرار شاه امان الله به قندهار و سلطنت سه روزه برادرش عنایت الله، حبیب الله کلکانی به عنوان ( حبیب الله خادم دین رسول الله ) به تخت پادشاهی تکیه زد. به باور برخی از منابع، انگلیس‌ها منافع خود را با رشد حکومت امان الله خان در خطر می‌دید به همین منظور دست به یک سلسله اقدامات زد. با تحریک گروه‌های مذهبی، مخالفین حکومت و برخی از قومیت‌های ناراض، مقدمات سقوط امان الله خان را تقویت کرد.

با به قدرت رسیدن حبیب الله کلکانی، صفحه تاریخ افغانستان ورق خورده بود. از زمان تشکیل دولت افغان در سال ۱۷۴۷ میلادی این اولین باری بود که فردی از تاجیک‌های فارسی زبان شمال کابل قدرت را از حیطة اقوام پشتون‌های درانی بیرون می‌کشید.

حبیب الله کلکانی در مدت ۹ ماه حکومت کوتاه مدت خود و پس از به قدرت رسیدن، ق انون اساسی وقت افغانستان را لغو کرد، مدارس دولتی را بست، به جای تقویم خورشیدی، تقویم قمری را رایج کرد، حجاب اسلامی را برای زنان افغانستان اجباری اعلام کرد، مالیات را لغو کرد و خواستار اعمال قوانین شریعت شد (جعفری: ۱۳۹۵، ۷۱).

در روز دوم که حبیب الله کلکانی به قدرت رسید، اعلامیه ای را انتشار داد و در آن از یک عده اتهامات چندگانه مربوط به تخلفات امان الله خان یادآور شد و چیزی معادل با یک برنامه امیرجدید را معرفی کرد. او وعده داد تا تمام اصلاحات امرای پیشین را که به زعم وی ضد اسلام بودند، ملغی سازد.

### دوره استبداد و اختناق نادرشاهی و پوشش زنان

دوره محمد نادرخان در پی سرنگونی حبیب الله کلکانی که فقط کم تر از ده ماه حکمرانی کرد، آغاز گردید. این دوره شروع یک دوره دهشت و وحشت، ویرانی و جنایت‌های ناگفتنی علیه مردم افغانستان و به خصوص زنان در این کشور بود.

نادرشاه پس از اعلام پادشاهی مرام نامه خود را در ده ماده منتشر ساخت. در این مرام نامه آنچه مستقیماً با زنان جامعه در ارتباط بود فقره اول آن بود؛ که در آن آمده است: « حکومت موجوده موافق با احکام دین مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی امور مملکت را اجرا خواهد کرد. برای این که شریعت غرای محمدی در امور مملکتی قایم و دایم باشد، ریاست شورای ملی وزارت علیه مسئول می‌باشد، شعبه احتساب از امور لازمی این حکومت است و به یک صورت منظم این شعبه دایر خواهد شد.

### دهه قانون اساسی

پس از آنکه نادرشاه در محفل توزیع جوایز به شاگردان مکتب توسط جوان ۱۶ ساله‌ی به نام عبدالخالق یک تن از شاگردان ممتاز مکتب نجات و از داعیه داران خانواده چرخ‌ی به قتل رسید، محمد ظاهر پسر نادرشاه که ۱۹ سال عمر داشت توسط برادران نادرشاه در ۱۷ عقرب سال ۱۳۱۲ هـ - ش / ۸ نوامبر ۱۹۳۳ م در عصر همان روز،

پادشاه اعلام شد. اما اقتدار واقعی سلطنت به دو تن از عموهایش محمد هاشم خان صدراعظم و شاه محمود خان وزیر حرب آن زمان منتقل شد.

فعالیت‌های زنان تا دورهٔ ظاهرشاه (۱۹۷۳-۱۹۳۲م) (۱۳۱۲ - ۱۳۵۲ ش) بسیار محدود و محدود به مدارس ابتدایی و مکتب خانه‌ها شده بود. پس از جنگ جهانی دوم، سیاست جهانی برگسترش دموکراسی قرار گرفت. دکتربین کندی مینی بر گسترش دموکراسی و افزایش میزان آگاهی‌ها و توسعه سیاسی در کشورهای جهان سوم از عوامل تاثیر گذار بر مسایل کشورهای جهان سوم بود. افغانستان هم تحت تاثیر نظام بین الملل به ایجاد دموکراسی و گسترش توسعه سیاسی و اجتماعی و ایجاد رفاه برای مردم تن داد. حکومت افغانستان مجبور بود زیرا سراسر جهان راه جنبش‌های آزادی بخش فرا گرفته بود و نظام پادشاهی محبوبیت خود را روز به روز از دست می داد (موسوی: ۱۳۹۳، ۹۱).

در دوره ظاهرشاه وضعیت زنان نسبت به دوره نادرخان بهتر شد. به خصوص در بخش معارف کارهای نسبتاً خوبی انجام شد. علاوه بر از سرگیری فعالیت مکاتب دوران امانیه، در سال (۱۳۲۰ ش) لیسه دخترانه زرغونه در شهر کابل تاسیس گردید و در سال (۱۳۲۶ ش) اولین فارغ التحصیلان مستورات با شهادت نامه بکلوریا به حیث معلم جذب مکاتب دخترانه شدند. در این سال یک مکتب مستورات در شهر هرات تاسیس شد. در سال ۱۳۳۲ در کل کشور ۱۲ باب لیسه وجود داشت. از این تعداد، سه لیسه مخصوص دخترانه بود، که عبارت بودند از لیسه نو ملالی با ۵۱۵ شاگرد، لیسه ملالی قدیم با ۱۳۱۶ شاگرد و لیسه زرغونه با ۱۸۶۷ شاگرد و هم چنین در سال ۱۳۳۷ در کشور پنج باب مدرسه متوسطه و سه باب لیسه دخترانه وجود داشت که در شهرهای کابل، هرات، مزارشریف، قندهار و میمنه تاسیس شده بودند. در این مکاتب ۸۱۴۳ دختر مشغول به تحصیل بودند. در سال تحصیلی ۱۳۴۱ شمار متعلمین دختر در مقاطع مختلف تحصیلی ۱۱۱۸۴۱ بودند. این تعداد در سال تحصیلی ۱۳۴۳ به ۳۴۷۸۰۱ ارتقا یافت. ضمن تعداد مکاتب ابتدایی نسوان در شهر کابل به ۲۰ باب رسید. تعداد معلمین مکاتب ابتدایی نسوان در سال ۱۳۳۳ به ۷۹۷۷ نفر می‌رسید که این تعداد در سال ۱۳۳۴، به ۹۰۳۶ نفر افزایش یافت (کامگار، ۱۳۸۷: ۶۹-۶۶، حکمت، ۱۳۹۰: ص ۵۹). در سال ۱۳۴۷ برابر آمار، ۵۴۰۰۰۰ متعلم در مکاتب سراسر کشور مشغول تحصیل بودند، که از این تعداد ۱۳۰۰۰ متعلم در مکاتب متوسطه و لیسه بوده، و شمار شاگردان دختر در مکاتب متوسطه و لیسه نسبت به پسران یک پنجم بوده است (محسنی حکمت ۱۳۸۹: ۵۷ به نقل از احمدبخش اخلاصی: ۱۳۸۹: ۴۴۷).

### حضور زنان در رادیو کابل

وضعیت روبه بهبود زنان ادامه داشت تا آنکه در ماه حمل سال ۱۳۲۰ خورشیدی رادیو کابل در پل باغ عمومی شهر کابل توسط سردار محمد نعیم خان وزیر معارف و معاون صدارت آن زمان افتتاح شد. گرچه رادیو برای بار اول در زمان شاه امان الله خان به پخش برنامه آغاز کرد، اما پس از وقفه طولانی، نشرات رادیو در زمان صدارت شاه محمود، دوباره آغاز گردید.

اولین آهنگ اولین خواننده زن، خانم پروین، (گلفروش) نام داشت که در فضای تعصب آلود آن روز افغانستان از رادیو افغانستان پخش شد. زمزه آهنگی به صدای یک زن در آن زمان کمتر از یک انقلاب نبود (طنین: ۱۳۹۰، ۱۲۰).

با پخش صدای خانم پروین از امواج رادیو گامی برای مشارکت زنان در هنر موسیقی نیز برداشته می‌شود و زنان زیادی پا به عرصه موسیقی و آواز می‌گذارند. پروین، آزاده، افسانه، زرغونه، این زنان قبل از نهضت روی لوچی توسط چادری به آوازخوانی در رادیو کابل می‌پرداختند. بعد زنان دیگر مانند رخسانه، استاد مهوش، هنگامه، فرشته سما، پرستو، پلوشه، وجیهه رستگار، سلما جهانی، سهیلا زلاند، سارا زلاند، ژیلدا، نغمه، سیما ترانه، پریسا مرسل، لاله، عزیزه، شهلا، قمرگل، گلشن، رشیده ژاله، ملینا، بخت زمینه، زلیخا، زینب هروی، زرین، بنفشه مجاز، ثریا مژگان، سپوژمی، رعنا، ستاره هروی، فتانه، فرح، فرشته، گلالی، ماری مهتاب، مریم، مرجان، مینا، ماه پیکر، ناهید، نادیه، نرگس، وژمه، هما و غیره. . . . وارد دنیای موسیقی شدند و به آوازخوانی پرداختند.

### دوره جمهوری (۱۹۷۵ - ۱۹۷۳)

سلطنت چهل ساله ای محمد ظاهرشاه توسط محمد داوود خان پسرکاکای وی در ۱۷ جولای سال ۱۹۷۳ مطابق ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ خورشیدی به پایان رسید. سردار محمد داوود خان در یک کودتای نظامی و بدون خونریزی که از شامگاه روز قبل آغاز گردیده بود، به سلطنت دو صد ساله نقطه پایان گذاشت. بامداد روز بود که رادیو کابل برنامه‌های عادی اش را قطع کرده و به جای آن مارش‌های نظامی را پخش می‌کرد، مردم را به شنیدن بیانی بیانیه محمد داوود دعوت کرد: «هموطنان عزیز! باید به اطلاع شما برسانم که دیگر این نظام از بین رفت و نظام جدیدی که عبارت از نظام جمهوریت است و با روحیه حقیقی اسلام موافق است، جایگزین آن گردید (طنین، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

در این دوره بود که توجه دولت به قشر زنان بیشتر از پیش شد، اگرچه داوود خان تغییراتی را در دوره صدارت خویش آغاز کرده بود، مانند رفع حجاب و آماده ساختن زمینه تحصیل برای زنان، اما در دوره جمهوری نیز این روند را جدی تر از قبل پی می‌گیرد. زنان فعال در این دوره توانستند، که فعالیت‌های تشکیلاتی خود را گسترش دهند. اگر قبلاً کارهای تشکیلاتی مشترک با مردان را در قالب گروه‌های چپی طرفدار مسکو تجربه کرده بودند. در این دوره علاوه بر سازمان دمکراتیک زنان افغانستان، که پیرو خط مسکو و در واقع شاخه از حزب خلق بود، در سال ۱۳۵۶ ش سازمان سیاسی دیگری از سوی زنان، که ظاهرین مستقل از دیگر احزاب فعالیت می‌کرد، به نام جمعیت انقلابی زنان افغانستان، معروف به راوا، و متأثر از چپی‌های پیرو خط پکن فعالیت خود را به صورت علنی اعلام کرد. این حرکت تشکیلاتی و منسجم برای تعدادی زیادی از چپی‌های سیویالیست، جذاب می‌نمود و توانست طرفداران زیادی را جذب نماید. البته در این دوره زنان نتوانستند، مدیریت‌های کلان حکومتی را تصاحب کنند. لذا در این دوره هیچ وزیر زن در کابینه داوود خان وجود ندارد (حکمت، ۱۳۹۰: ۶۳).

### حزب دموکراتیک خلق و جنبش روشنفکری زنان

هفتم ثور ۱۳۵۷ کودتای احزاب چپی به پیروزی رسید و قتل داوود خان به نظام جمهوری نقطه پایان گذاشت. در نتیجه کودتای کمونستی در افغانستان به کمک اتحاد جماهیر شوروی، دولتی کمونستی را روی کار آورد. در نخستین روزهای حکومت حزب دموکراتیک خلق، تره‌کی در بیانیه‌ای گفت: «فرزندان تاریخ دوباره جهان را می‌سازند» (هی من، ۱۳۶۵: ۱۳۴). و سپس به صدور فرمان‌های شماره ۶، ۷ و ۸ خود پرداخت که مربوط به زندگی روزمره مردم و حیات اجتماعی شان می‌شد. در این دوره زنان شهرنشین، به خصوص شهر کابل طی دهه ۶۰ خورشیدی توانستند به صورت قابل ملاحظه‌ای در تعلیم و تربیت و دیگر بخش‌های خدماتی اشتغال

یابند که مطابق آمار ۷۰ درصد از معلمان و ۵۰ درصد مامورین دولت و ۴۰ درصد از پزشکان را زنان تشکیل می‌دادند (نوید، ۱۳۸۸: ۱۵۰).

دولت به حمایت شوروی وقت در نخستین روزهای قدرت خود، وقتی خط مشی رژیم را از طریق مطبوعات اعلام نمود، در ماده ۱۲ آن آمده است: برابری حقوق زن و مرد در تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی (کاظم، ۲۰۰۵: ۳۴۶ - ۳۴۵).

در ماده اول فرمان شماره هفت آمده بود: هیچ شخص نمی‌تواند که دختری را در بدل پول نقد یا جنس به نامزدی یا نکاح کسی بدهد. همچنین در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک، مشارکت سیاسی زنان در تاریخ افغانستان بی‌سابقه بود؛ چنان که بعد از انقلاب ثور بیش از صد هزار زن در سازمان‌های زنان به فعالیت‌های سیاسی مشغول بودند (وریخ ستانیزی، ۱۳۸۰: ۱۷۱). در این دوره نقش زنان در فعالیت‌های سیاسی چشمگیرتر شد و زنان به احزاب سیاسی رو آوردند.

### دولت اسلامی مجاهدین و نقش زنان

حکومت رژیم کمونستی به رهبری داکتر نجیب الله سقوط کرد و در هشتم ماه ثور سال ۱۳۷۱ خورشیدی گروه‌های مجاهدین از هرسو وارد کابل شدند. صدای شلیک گلوله‌های هوایی پیام پیروزی مجاهدین را نوید می‌داد.

پیروزی مجاهدین، در آخرین روزهای اپریل (آوریل) ۱۹۹۲، به جنگ چهارده ساله افغانستان پایان نداد. از فرمای ایجاد حکومت اسلامی، گروه‌های رقیب مقاومت، مبارزه جدیدی را آغاز کردند که هدف آن کسب قدرت بود. در ایامی که مجاهدین سعی داشتند تا موقعیت خود را در کابل و ولایات تحکیم بخشند، کابل برای ماه‌های طولانی آماج حملات راکتی مخالفان دولت و شلیک متقابل گروه‌های رقیب بود (طنین: ۱۳۹۰، ۳۹۹). در حکومت مجاهدین تمام فعالیت‌های اجتماعی زنان محدود شد. زنانی که در این رژیم فعالیت داشتند می‌گویند جنگ‌های داخلی و اختلافات میان گروه‌های مجاهدین سبب شد که آنان نتوانند در اجتماع نقش فعال داشته باشند.

### امارت اسلامی طالبان و جایگاه زنان

با به میان آمدن رژیم طالبی حقوق زنان بیشتر از هر وقت دیگر پامال شد. طالبان از همان آغاز ورود به کابل در سال ۱۳۷۵ خورشیدی شروع به صدور فرامین سخت گیرانه‌ی بی‌به زنان دستور داده شد تا در خانه بمانند. تحصیل، آموزش، اشتغال، مراجعه به کلینیک‌های صحت، استفاده از حمام‌های عمومی، پوشیدن بوت پاشنه بلند و لباس‌های غربی وحتا رفتن به زیارتگاه‌ها برای زنان ممنوع اعلام گردید.

طالبان و سیاست‌های زن ستیز آنان، باعث زیرزمینی شدن فعالیت زنان در افغانستان شد. تنها دوره ای که وضعیت زنان به شدت اسف بار است، دوره طالبان بوده است. طالبان در کوچ و بازار و سرک به زنان حمله کرده و با شلاق به ضرب و شتم زنان می‌پرداختند و به آنان اجازه خروج از منزل را نمی‌دادند. زنان در صورت می‌توانستند که از خانه بیرون شوند که محارم مرد را با خود به همراه می‌داشتند.

از سیاست‌های اصلی طالبان در افغانستان، ممانعت زنان از تحصیل، آن هم با توجیهاات دینی، بود. (اخلاصی:

## جمهوری اسلامی افغانستان و نقش زنان

پس از سقوط برج‌های سازمان تجارت جهانی در نیویارک ایالات متحده امریکا اعلام جنگ علیه تروریسم و افغانستان نمود. اعلام جنگ ایالات متحده امریکا علیه تروریسم مقدمات سقوط رژیم طالبان را در افغانستان فراهم کرد. پس از حمله نظامی به وسیله نیروهای ائتلاف بین المللی ضد تروریسم به رهبری امریکا، حکومت طالبان در پنجم ماه عقرب سال ۱۳۸۰ خورشیدی با سقوط مواجه شد.

### نشست بن

پس از شکست طالبان توسط نیروهای امریکا و ناتو با همکاری نیروهای اتحاد شمال، شالوده افغانستان نوین در کنفرانس بن که در تاریخ ۲۱ نوامبر آغاز شد و تا ۵ دسامبر ۲۰۰۱ ادامه یافت، پی ریزی شد. در این اجلاس تاریخی که در فضای کاملاً جدید و با رویکرد کاملاً متفاوت با گذشته‌ها، برگزار می‌شد، شش محور امنیت، زنان، آموزش و پرورش، حقوق بشر، قانون اساسی و اقتصاد در بازسازی افغانستان مطرح شد که مسئله امنیت و زنان از اهمیت ویژه برخوردار بود. این کنفرانس خواستار حضور زنان در دولت آینده شد و بر موضوعاتی مانند: «توسعه و زن»، «امنیت و مسکن زنان»، «تاسیس نهادها و انجمن‌های ویژه زنان»، تاکید داشت (دهقان: ۱۳۸۶، ۲۰۵).

در کنفرانس بن از میان ۲۴ نفر نماینده گان رسمی چهار جناح شرکت کننده، تنها دو تن از زنان آمنه افضلی به عنوان نماینده که قبلاً از طرف جناح جمعیت اسلامی در کنفرانس‌ها شرکت می‌کرد، ولی در این کنفرانس به عنوان نماینده رسمی جبهه متحد شمال حضور یافته بود و سیما ولی، که از فعالان حقوق زن افغان در امریکا بود و به عنوان رییس موسسه (زنان مهاجر در راه انکشاف) فعالیت داشت از طرف گروه روم معرفی شده بود (محرابی: ۱۳۸۹، ۳۲۴).

در میان ۳۷ نفر اعضای غیر رسمی کنفرانس، سه زن مشارکت داشتند یکی رنا یوسف منصور (دختر داکتر محمد یوسف، صدر اعظم سابق افغانستان) از اعضای هیات روم، فاطمه گیلانی (دختر سید احمد گیلانی) از اعضای هیات «مجمع صلح» و صدیقه بلخی (دختر شهید سید اسماعیل بلخی) از فعالان امور زنان مقیم مشهد از اعضای گروه «قبرس» در اجلاس بن حضور داشتند. بنابراین، از میان ۶۱ نفر اعضای رسمی و غیر رسمی در اجلاس بن، در کل پنج زن نیز شریک بودند (دوپری: ۱۳۷۷، ۵۰۶).

### بازگشایی مکاتب دخترانه

بازگشایی دروازه‌های مکاتب به روی متعلمین دختر، شور و اشتیاق را در قلب دختران به وجود آورد که این شور و اشتیاق دختران در تاریخ افغانستان بی سابقه بود.

دولت و قانون نیز از تحصیل و آموزش دختران و زنان حمایت نمود. در ماده ۴۳ قانون اساسی هم آمده است: ((تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لسانس در موسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تامین گردد...))

به اساس گزارش مقایسه‌ای وزارت معارف و انکشاف بشری افغانستان از وضعیت معارف و تعداد محصلین و متعلمین، مکاتب و معیار جنسیتی و غیره از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۸ نشان میدهد که در سال ۱۳۸۰ و آخرین روزهای پایانی حکومت طالبان، حدود نهمصد هزار شاگرد پسر توسط ۲۰۷۰۰ معلم از طبقه ذکور در ۳۴۰۰ مکتب تعلیمات عمومی مشغول تحصیل بودند ولی برای قشر انان امکان تحصیل وجود نداشت.

آماري که از سوی وزارت معارف در دست مان قرار گرفت نشان میدهد از سال ۲۰۰۱ الی سال ۲۰۱۲ به تعداد ۸,۱۳۲,۲۸۶ دانش آموز مشغول آموزش بودند که به تعداد ۳,۱۳۳,۹۶۱ دانش آموزان را دختران تشکیل میدادند و به تعداد ۱۹۱,۷۵۴ آموزگار وجود دارد که از این میان ۵۸,۴۷۱ آنان را آموزگاران زن تشکیل میدهند.

### ورود دختران به دانشگاه ها

براساس گزارش های سالنامه احصایوی اداره مرکزی احصاییه، در سال ۱۳۸۸ تعداد دانشگاه ها در کشور ۲۲ و تعداد دانشکده ها به ۱۲۱ و تعداد موسسات علوم صحتی، تخنیکي و حرفه ایی ۳۲ باب بوده که مجموع محصلان مشغول به تحصیل در این مراکز ۷۵۷۶۰ تن بوده که ۱۴۴۰۷ تن آنها را دختران تشکیل میدادند. تعداد دختران در سال ۱۳۸۸ در مقایسه با سال ۱۳۸۷، ۲۲٪ افزایش یافته است. در سال ۱۳۸۸ تعداد اساتید تحصیلات عالی به ۳۷۴۶ تن می رسیدند که ۶۴۳ تن آنها را اساتید زن تشکیل میدهند (سالنامه احصایوی ۱۳۸۸) ص ۱۱۵. اما در سال های اخیر تعداد دانشگاه های خصوصی نسبت به سال های قبل رو به افزایش بوده و تعداد محصلان هم بیشتر از قبل رو به افزایش است (جعفری: ۱۳۹۵، ۱۷۴-۱۷۵).

### تاسیس وزارت زنان

در سال ۱۳۸۰، وزارت امور زنان بر اساس توافقات کنفرانس بن، در ادارت موقت افغانستان ایجاد گردید و در قوس (۱۳۸۰ ش) به عنوان یکی وزارت خانه در دولت موقت معرفی شد. وزارت امور زنان به عنوان یک نهاد حامی و مدافع از حقوق زنان و بستری مناسبی برای حضور سیاسی و اجتماعی زنان فراهم شد. این نخستین وزارت خانه مختص به زنان بود که تحت فشار سازمان ملل و جامعه بین المللی در افغانستان به وجود آمد.

### فعالیت های وزارت زنان

از مهم ترین اقدامات وزارت امور زنان تهیه و تصویب برنامه کاری ملی ده ساله برای زنان افغانستان در سال ۱۳۸۷ است که با حضور ده ها تن از زنان برجسته از سراسر کشور صورت گرفت. در این برنامه استراتژیک، برنامه های ده ساله جهت هماهنگ سازی، سیاست گذاری های دولتی، تمویل کنندگان خارجی و نهادهای فعال در بحث حقوق زنان در راستای بهبود بخشیدن وضعیت زنان پیش بینی شده است. برنامه ده ساله برای زنان افغانستان در ادامه توافق نامه تاریخی بن، توافق نامه سال ۲۰۰۶ لندن، استراتژی انکشاف ملی افغانستان ۲۰۰۸ پاریس و غیره، که میان دولت افغانستان و مجامع جهانی مورد توافق قرار گرفته، تهیه شده است. این برنامه که بیش از هر چیز دیگری بر تساوی زن و مرد در حقوق و تکالیف تاکید دارد و مجامع جهانی و دولت نیز در موافقت نامه های خود به رعایت آن متعهد شده اند، دارای یک مقدمه و گزارش از وضعیت زنان در افغانستان و سه رکن اساسی می باشد که عبارت اند از ۱- امنیت ۲- دولت داری، حاکمیت قانون و حقوق بشر ۳- انکشاف اقتصادی و اجتماعی.

دومین اقدام بسیار مهم و تعیین کننده این وزارت تهیه و توشیح قانون منع خشونت علیه زنان با همکاری نهادهای دولتی و مدنی است که در سال ۱۳۸۸ بدون اینکه برای تصویب به پارلمان فرستاده شود، توسط حامد کرزی رییس دولت، توشیح شد.

قانون منع خشونت علیه زنان در پی احکام مواد بیست و چهارم و پنجاه و چهار قانون اساسی وضع گردیده است، نیز یکی از دستاوردهای وزارت امور زنان می باشد. تصویب این قانون مکلفیتی بوده که دولت در زمینه ی

حمایت از حقوق زنان و حفظ کرامت انسانی آن ها انجام داده است. قانون منع خشونت علیه زنان در سال ۱۳۸۸ در چهار فصل و ۴۴ ماده در جریده‌ی رسمی شماره ۹۸۹ منتشر شده است. در این قانون، خشونت علیه زن تعریف شده، مصادیق خشونت بیان شده و برای هر کدام مجازات تعیین گردیده است. در ماده ۴۳ این قانون تصریح شده است که هرگاه میان این قانون و سایر قوانین تعارض به وجود آید این قانون بر سایر قوانین حاکم و ارجح می‌باشد.

### **تاسیس کمیسیون حقوق بشر در افغانستان**

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به تاریخ ۱۶ جوزا سال ۱۳۸۱ بر اساس توافقنامه بن و فرمان رییس جمهور افغانستان تشکیل گردید و سپس در سال ۱۳۸۲ با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان در ماده ۵۸ به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، تسجیل و مبنای قانونی یافت. قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون در سال ۱۳۸۴ در ۴ فصل و ۳۵ ماده توسط رییس جمهور افغانستان تصویب گردید.

### **فعالیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر برای زنان افغانستان**

پس از تاسیس کمیسیون مستقل حقوق بشر در افغانستان، هیات رهبری کمیسیون که متشکل از نه عضو می‌باشد، هم چنین رییس آن به مدت پنج سال از سوی رییس جمهور تعیین می‌شود و در انتخاب اعضا رییس جمهور موظف است که مسایل قومی، مذهبی، زبانی و غیره را لحاظ نماید تا جامعیت داشته باشد. کمیسیون تا سال ۱۳۹۰ هشت دفتر ساحوی ( دفتر ساحوی کمیسیون در ولایات هرات، قندهار، بامیان، پکتیا، ننگرهار، قندوز، کابل و بلخ و دفاتر ولایتی کمیسیون در ولایات غور، دایکندی، هلمند، ارزگان، فاریاب و بدخشان فعال می‌باشند. ) (<http://www.ahrc.org.af/dari>). شش دفتر ولایتی و در حدود ۶۰۰ نفر کارمند داشته.

از اساسی ترین اهداف اندراج کمیسیون مستقل حقوق بشر در قانون اساسی افغانستان، دفاع از حقوق بشر، به خصوص حقوق زنان، براساس معیارهای سازمان ملل و کنوانسیون‌ها و میثاق‌های بین المللی است که سازمان ملل به اجرایی کردن آنها در کل جهان متعهد شده است. مهم ترین کارکرد بخش «حقوق زنان» کمیسیون مستقل حقوق بشر، ثبت و پی گیری شکایاتی است که از سوی زنان بزه دیده یا آزادی طلب صورت می‌گیرد. (ماهنامه حقوق بشر، ۷-۴).

### **کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان**

کنوانسیون رفع کلیه ای اشکال تبعیض علیه زنان، یک معاهده بین المللی است که در ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ به اجرا درآمد. افغانستان در سال ۱۹۸۰ م این کنوانسیون را امضا و در ماه مارچ ۲۰۰۳ م رسماً به آن ملحق شده است.

### **زنان در کابینه و پست‌های سیاسی**

کابینه دور اول ریاست جمهوری در دوره حامد کرزی دارای ۲۵ وزیر بوده که تنها ۴ تن آن ( ۴ درصد) آن زن می‌باشد. این امر یک عقب گرایی نسبت به کابینه اداره ای که توسط لویه جرگه انتخاب شد، که دارای سه تن (۱۱ درصد) وزیر زن بود می‌باشد. در سال ۲۰۰۷ م افغانستان دارای ۱۷ سفیر در خارج از کشور بود که از آن جمله ۱۵ تن ( ۸۸ درصد) آنان را مردان و ۲ تن ( ۱۱ درصد) را زنان تشکیل می‌دهد.

مهم ترین دستاورد در رابطه با موقعیت زنان در جامعه افغان، قانون اساسی جدید است، که به تاریخ ۴ جنوری سال ۲۰۰۴ به تصویب رسید و مطابق بآن « هرگونه تبعیض و امتیاز در میان شهروندان افغانستان ممنوع شده است و شهروندان افغانستان، اعم از زن و مرد، دارای حقوق و وظایف مساوی در برابر قانون می‌باشند) رضایی: ۱۳۸۹، ۱۸۴)».

### جنبش روشنفکری زنان در حکومت وحدت ملی

جنبش روشنفکری زنان در افغانستان هرچند در گذشته‌های دورتر ریشه دارد، اما با توجه به بافت و ساختار اجتماعی و سیاسی، شکل خاصی به خود گرفته است. شاید بتوان تلاش‌های امان‌الله خان و ملکه ثریا در سال‌های ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۹ میلادی را اولین گام‌ها برای بهبود وضعیت زنان پس از استقلال افغانستان دانست. در دوران شاه امان‌الله خان افغانستان استقلال سیاسی خود را به دست آورده و در زمره‌ی کشورهای آزاد جهان قرار گرفته و دوره جدیدی در تاریخ کشور آغاز گردید. دروازه‌های کشور به روی افکار و اندیشه‌های آزادیخواهانه باز گردید.

از آن جایی که در تاریخ افغانستان، مردان با نقش اجتماعی زنان و پوشش آنان بیشتر از هر موضوع دیگری مساله داشته‌اند، یکی از مسایل خیلی جدی مورد تضاد در صد سال اخیر تاریخ افغانستان، نظریه‌پردازی در همین راستا بوده و حجاب و پوشش اسلامی بیشتر از این که یک حکم دینی باشد به ابزار سیاسی سیاستمداران و بازدهی قدرت مردانه و حس مالکیت مبدل شده است. اما دشواری بزرگتر در تمام این دوره‌ها نقش منفعلانه زنان در کنش و واکنش به کارکردهای سیاستمداران و زورمداران و ناتوانی در طرح بسیج یک جنبش همه‌گستر است.

### نتیجه‌گیری

در این تحقیق استدلال شده که تاریخچه جنبش زنان در افغانستان به سه دوره تاریخی تقسیم می‌شود: «دوره اول از استقلال تا جمهوری، دوره دوم از جمهوری تا کودتای ثور، دوره حاکمیت چپ، دوره مجاهدین و طالبان و دوره سوم که پس از طالبان تا اکنون جریان دارد»، در دوره اول با اعلام استقلال افغانستان در ۱۹۱۹، راه برای شکل‌گیری جنبش زنان در این کشور هموار شد. شاه امان‌الله با اعلام کشف حجاب و زمینه‌سازی برای فعالیت فرهنگ و آموزش برای زنان، مسیر جنبش زنان در عرصه روشنفکری را تعیین کرد. همسر او، ملکه ثریا، از حامیان اصلی نهضت زنان بود. در واقع، سهم زنان در جنبش روشنفکری افغانستان از همین دوره مشخص شد. زنان در فعالیت‌های روزنامه‌نگاری، فعالیت‌های مدنی، فعالیت‌های آموزشی و سایر عرصه‌های اجتماعی به صورت قابل توجهی راه یافتند. ولی با سرنگونی حکومت امانی و بر روی کار آمدن امیر حبیب‌الله کلکانی، تمام اصلاحات امانی در راستای بهبود وضعیت زنان برعکس شد. کلکانی نه تنها کشف حجاب را ممنوع کرد، بلکه هر نوع فعالیت زنان در بیرون از خانه را غیرقانونی اعلام کرد. در دوره سلطنت محمدنادرشاه هم به دلیل تبلیغات گسترده‌ای که علیه حمایت امان‌الله از حقوق زنان صورت گرفته بود، فعالیت چندانی برای توسعه جایگاه زنان در جامعه صورت نگرفت. در دوره صدارت دو برادر محمدنادر، محمدهاشم و شاه‌محمود، در زمان سلطنت محمدظاهر شاه از ۱۳۱۲ تا ۱۳۳۲ نیز وضعیت زنان به همین منوال ادامه یافت. اگرچه مؤسسه «انجمن زنان» در ۱۹۴۶ تأسیس شد، ولی به‌طور کلی، این دوره زنان نسبتاً تاریک شمرده می‌شود.

اما در دورهٔ صدارت محمداوود، از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲، گشایش نسبی به‌میان آمد. داوود کشف حجاب را مجدداً اعلام کرد.

در دورهٔ دوم، حکومت حزب دموکراتیک خلق در افغانستان، بیشتر با شتاب‌زده‌گی ایدیولوژیک و نسخه‌برداری ناشیانه از اتحاد جماهیر شوروی که هیچ‌گونه مشابهت و هم‌سانی با افغانستان نداشت، به جنبه‌های روبنایی زنده‌گی زنان توجه کرد. در این دوره برابری حقوق زنان و مردان از لحاظ قانونی در «اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان» در بسیاری از قوانین و مقررات در تمام کشور و در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مدنی اعلام گردید. بعد از مشخص‌شدن اعضای کابینه، آناهیتا راتب‌زاد که از فعال‌ترین زنان چپ‌گرا در این دوره بود و از موسسان حزب دموکراتیک خلق نیز به حساب می‌آمد و سازمان دموکراتیک زنان را نیز رهبری می‌کرد، به‌عنوان وزیر کار و امور اجتماعی و جهان‌گردی منصوب شد.

دورهٔ سوم و هنگامی که مجاهدین در اوایل دههٔ ۱۹۹۰ کنترل کشور را به‌دست گرفتند، نقش زنان را، که در حوزهٔ اجتماعی و اقتصادی فعال بودند، دگرگون ساختند. موضوع مهم دیگر، در جریان جنگ‌های داخلی افغانستان ۱۹۹۲-۱۹۹۸ میلادی تغییر نگاه جنگجویان به زنان است. قبل بر آن نگاه حاکم به زن، نگاه ناموسی و مالک بر مال بود که در چارچوب خانه باید ارزش مراقبت می‌شد. حتی در حین منازعات و جنگ‌ها، زن را در مکان امنی نگه‌می‌داشتند تا آسیبی به او نرسد، ولی در این دوره، هزاران زن با ابرهنه‌نگری سیاسی و جنسی گروه‌های متخاصم مورد تجاوز و خشونت جنسی قرار گرفتند - با این‌که در سیاست‌های قبلی نیز رفتارهای این‌چنینی وجود داشتند، اما صیغهٔ خیلی عمومی‌نداشتند؛ به‌گونهٔ مثال برده‌گیری از زنان هزاره در دورهٔ امیر عبدالرحمن و معدودزنانی از شمال کشور در دورهٔ محمدنادر و سوء‌استفاده جنسی از آنان به نام‌های کنیز و صیغه گرفته می‌شدند.

اما جنگ‌های داخلی در دورهٔ حکومت مجاهدین و حاکمیت گروه طالبان پدیده‌هایی بودند که در زنده‌گی زنان و نسل جدید زنان تغییرهای اساسی ایجاد کند. نگاهی دوباره به خود، زن بودن، جنس دوم بودن، وظیفه زنانه و نگرش جامعه مردانه به خود را در بین زنان به وجود بیاورد. بسیاری از زنان قربانی جنگی مردانه شدند که نه با عقاید اسلامی‌همراهی می‌کرد و نه با ارزش‌های وطن‌پرستانه هم‌خوانی داشت. جنگ قدرت که زنان و کودکان را از زنده‌گی در فضایی مسالمت‌آمیز محروم کرده بود. طالبان تجرب‌های تلخ‌تر را بر زنان تحمیل کردند. تجرب‌های که زنان در دورهٔ امیر حبیب‌الله کلکانی هم به چنین شدت تحمل نکرده بودند.

در دورهٔ طالبان با آن‌که زنان از صحنهٔ زنده‌گی حذف شدند ولی شاهد ظهور بیداری از نوع تازه‌ای در بین زنان هستیم. این بیداری را ناهید باقی و نادیا انجمن به‌خوبی توضیح می‌دهند. نادیا انجمن خود قربانی این بیداری و زن بودن شد و جان خود را در این راه از دست داد. ناهید باقی روایتگر این جنبش است؛ جنبشی که نه تنها به تعلیم و تربیت علاقه‌مند است، به خواندن نیز عشق می‌ورزد، شعر می‌گوید و با تمام توانایی خود به همه شیوه‌هایی که می‌داند، مقاومت می‌کند. اگر طالبان او را از درس و مدرسه منع می‌کنند، نادیا خود را دختر افغان می‌خواند و از رنج زمانه شکایت می‌کند. از قهر مردانه و جنس دوم بودن فریاد بر می‌آورد. ناهید باقی یکی از اعضای گروه «سوزن طلایی» است که در پوشش آموختن کارهای زنان‌های مثل خیاطی و سوزن‌دوزی، به کتاب‌خوانی می‌پردازد.

با سقوط طالبان، زنان دوباره در صحنه اجتماعی ظاهر شدند و در کنار کسانی ایستاد شدند که برای برابری و مردم‌سالاری مبارزه می‌کردند. نسل جدید زنان بعد از طالبان، نگاهی دوباره به سنت‌ها، آداب، رسوم و ارزش‌هایی داشت که آنان را به بند کشیده بود و از رشد ایشان در جامعه جلوگیری می‌کرد، او را و مسایل مربوط به او را به حاشیه می‌راند. جنبش مدنی الگوی جدید زنان برای مقاومت با جنگ‌سالاری، مردسالاری، فساد و نابرابری اجتماعی است.

ایجاد وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر در ۲۰۰۱ میلادی، حضور زنان در کابینه، پارلمان و شوراهای ولایتی، پلان کاری ملی زنان افغانستان، استراتژیی انکشاف ملی افغانستان، پروتوکل محو ازدواج اجباری و ازدواج اطفال (۲۴ نوامبر ۲۰۰۵ میلادی)، کمیسیون محو خشونت علیه زنان (۹ جولای ۲۰۰۳ میلادی)، الحاق و تصویب کنوانسیون محو کلیه تبعیضات علیه زنان (۵ مارچ ۲۰۰۳ میلادی) باز هم حرکت‌هایی از بالا به پایین هستند. این حرکت‌ها را نمی‌توان جنبش زنان نامید. برای پیدایی چنین جنبشی بیشتر از هر کار دیگری به تولید فکر، آگاهی شعوری و بلند بردن ظرفیت‌های فکری و کاری زنان نیاز است. هر حرکت قوی اجتماعی ریشه در اندیشه، برخاستگاه فلسفی و ساختارهای متناسب اجتماعی دارد. بیشتر تشکل‌های زنانه سال‌های پسین، همسان با بعضی از نهادهای غیردولتی، محصول جامعه پس از جنگ و فرآورده استعمار نوین در افغانستان هستند. چنین نهادهایی، فارغ از کنشگری اجتماعی هدفمند، برنامه‌های کوتاه‌مدتی را برای زنان اجرا می‌کنند که نه تنها در سازگاری با استراتژیی انکشاف ملی افغانستان قرار ندارند، بل به حاکمیت و اقتدار دولتی نیز صدمه می‌زنند و به شکل‌گیری جنبش اجتماعی زنان نیز یاری نمی‌رسانند. این تشکل‌ها بیشتر در سطح حرکت می‌کنند، بدون این که فشار و مایه‌های اجتماعی لازم را که از متن جامعه بر می‌خیزد، با خود داشته باشند. نابخردانه است اگر از کارکردهای نهادهای مدافع حقوق زنان و نهادهای غیردولتی در سال‌های اخیر انکار کرد و یا هم در پی انکار تاثیر هسته‌گذاری‌های دولتی بود. تنها می‌خواهم بگویم که در تمام این برنامه‌ها نقش اجتماعی زنان و خرد جمعی در برپایی یک جنبش گسترده زنان در بطن جامعه کم‌رنگ بوده است. فشار اجتماعی و شاخصه‌هایی از حرکت‌های جمعی را در جریان این سال اخیر در بعضی حرکت‌های چون اعتراض و تظاهرات علیه قانون «احوال شخصیه اهل تشیع»، راه‌اندازی راهپیمایی برای حمایت از عدالت انتقالی و دفاع حقوق قربانیان جنگ، تصویب و توشیح قانون منع خشونت علیه زنان، راه‌اندازی برنامه «کمپاین پنجاه فیصد» ۲۰۰۹ میلادی، پایه‌گذاری کمیته مشارکت سیاسی برای زنان و شبکه زنان افغان، مرکز تعلیمی زنان افغان، ایجاد خانه‌های امن، نشست‌های جامعه مدنی در ارتباط به حقوق زنان و تحقق و هماهنگی ماده‌های قطع‌نامه ۱۳۲۵ ملل متحد، گزارش‌های نهادهای مدنی و کمیسیون مستقل حقوق بشر و رسانه‌ها در دیده‌بانی از حقوق زنان، نشست‌های نمایندگان زن با رییس‌جمهور، نامه‌های سرگشاده تشکلات زنان به رییس‌جمهور و یا حرکت‌هایی از این دست می‌توان دید. کارکردهای مشترک میان دولت و نهادهای مدنی نیز یکی از پایه‌های اساسی ایجاد جنبش روشنفکری زنان می‌تواند بود.

بنابراین بعد از تحولات جدید در افغانستان، فرصت‌های تاریخی برای بهبود وضعیت زنان در این کشور به وجود آمده، اما این تنها شروع کار است و تا موفقیت راه بسیار طولانی و پر خم و پیچ در پیش است که رسیدن به آن نیاز به آگاهی، عقلانیت، دانش، درایت، آینده‌نگری و پابندی به ارزش‌های اخلاقی و اسلامی است. اگر در این شرایط حساس که جامعه در حال گذار است، نخبگان، نویسندگان، فعالان حقوق زن، دولت، نهادهای

مربوط به زن و رسانه‌ها بی تفاوت بمانند، می‌توان ادعا نمود که بحث زنان همچون گذشته یک بار دیگر با چالش‌های فراگیر در افغانستان رقم خواهد خورد. زنان ناامیدانه از ظهور داعش سخن می‌گویند و از این نگرانند که داعش رویای خلافت اسلامی را در سر می‌پروراند مانند طالبان که افغانستان را به جهنم بزرگی برای زنان تبدیل کند. چنانکه در کشورهای سوریه و عراق چنین کرد. اعضای این گروه زنان را به بردگی گرفتند و بسیاری را به فجیع‌ترین وضع به قتل رساندند و یا هم در آتش سوزاندند.

### کتاب‌شناسی

۱. جعفری، فاطمه. (۱۳۹۵). مشارکت سیاسی زنان در افغانستان. چاپ اول. افغانستان: کابل
۲. دوپری، ناسی. (۱۳۷۷). زنان افغانستان تحت حکومت طالبان، افغانستان، طالبان و سیاست‌های جهانی. ترجمه محقق. مهشد: ترانه.
۳. رضایی، صدیقه. (۱۳۸۹). زنان افغانستان؛ مشارکت، توسعه، افغانستان. چاپ اول. کابل: فرهنگ.
۴. سیستانی، اعظم. (۲۰۰۴). سیمای زن افغان در حماسه و تاریخ. چاپ اول. سویدن.
۵. طنین، ظاهر. (۱۳۹۰). افغانستان در قرن بیستم، چاپ سوم. تهران: عرفان.
۶. غبار، غلام‌محمد. (۱۳۶۵). افغانستان در مسیر تاریخ. تهران: جمهوری .
۷. محرابی، سکینه. (۱۳۸۹). وضعیت سیاسی زنان پس از دوره طالبان. مجموعه مقالات همایش، زنان افغانستان؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها. جلد دوم، چاپ اول. کابل: انتشارات بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۸. محسنی حکمت، محمدآصف. (۱۳۹۰). زنان در افغانستان؛ فرصت‌ها، چالش‌ها و راهکارها. قم. مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۹. موسوی، راحل. (۱۳۹۳). خشونت علیه زنان افغانستان. چاپ اول. کابل: موسسه تحصیلات عالی اهل بیت ع .
۱۰. موسوی، فخره. (۱۳۹۳). زنان و تاریخ افغانستان، جنبش‌های اجتماعی زنان، چاپ اول. : آرمان شهر.
۱۱. کاظم، سید عبدالله. (۲۰۰۵). زنان افغانستان زیر فشار عنعنه و تجدد. کالفرنیا: بنیاد انتشارات مطبوعه میوند.
۱۲. \_\_\_\_\_ .داعیه‌ای به‌نام «حقوق زن» در کشور. ناشر: افغان جرمن آن‌لاین
۱۳. نوید، سنزل. (۱۳۸۸). افغانستان در عهد امانیه: واکنش‌های مذهبی و تحولات اجتماعی زمان سلطنت امان ۱۹۲۹-۱۹۱۹. ترجمه محمدنعیم مجددی. هرات: احراری.
۱۴. هی‌من، آنتونی. (۱۳۶۵). افغانستان زیر سلطه شوروی. ترجمه اسدالله طاهری. چاپ دوم. بی‌جا: شباویز.
۱۵. وریخ استانیزی، شاه‌زمان. (۱۳۸۰). مقام زن در آریانا و افغانستان امروز. کابل: شرکت کتاب شاه‌محمد.